

Archive of SID

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

علی اکبر اسدی *



www.SID.ir

* پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک.

سید جلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی
ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
(سمت)، ۱۳۸۸، ۵۲۴ صفحه.

تحت عنوان «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در نظریه» شامل پنج فصل است که به رویکردهای نظری، منابع، اصول، منافع، اهداف، راهبرد، گفتمان‌ها و ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. بخش دوم نیز به تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف در قالب چهار فصل مشتمل بر دوره‌های دولت موقت، دفاع مقدس، سازندگی و اصلاحات می‌پردازد.

نویسنده در فصل اول تلاش می‌کند تا چهارچوب‌هایی نظری مختلف برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را معرفی و قابلیت‌های تبیین هرکدام از آنها را بررسی کند. این چهارچوب‌هایی نظری

در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نویسنده دسته‌بندی سه‌گانه‌ای را در مورد ادبیات موجود درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند که شامل کتاب‌ها و مقالات نویسندگان خارجی با تأکید بیشتر بر ایدئولوژی؛ بررسی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر انقلابی و اسلامی و سرانجام؛ تبیین‌های روشمند، علمی و بی‌طرف در این حوزه است. از منظر نویسنده این کتاب در جرگه دسته سوم قرار می‌گیرد که در قالب و با هدف ارائه متنی آموزشی و جامع درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با پوشش دادن ابعاد تألیف، نظری و عملی شده است.

نه فصل تنظیم شده است. بخش اول



سپس تحلیل ماهیت و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چهارچوب تحلیلی مبتنی بر تلفیق بین سطوح لازم است و در این راستا چهارچوب تلفیقی «جیمز روزنا» به عنوان چهارچوبی با قدرت تبیین بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد.

رویکرد نظری «روزنا»، سیاست خارجی را همچون متغیری وابسته، معلول برآیند پنج دسته از منابع فردی، نقش، حکومتی و بوروکراتیک، اجتماعی یا ملی و بین‌المللی یا سیستمیک می‌داند و هریک از این منابع خود متغیرهای متعدد و مختلفی را در بر می‌گیرد. بر این اساس است که از منظر نویسنده چهارچوب تحلیلی «روزنا» امکان ادغام و تلفیق روشمند رویکردهای نظری مختلف برای تحلیل سیاست خارجی ایران را فراهم می‌کند. زیرا این نظریه‌ها از نظر سطح تحلیل به چهار دسته خرد فردی، خرد ملی، کلان و تلفیق دو سطح خرد و کلان تقسیم می‌شوند که متغیرهای مورد تأکید هریک از آنها در این چهارچوب مفهومی لحاظ شده است. این نظری کتاب انتخاب و تلاش شده

است سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قالب آن تبیین شود.

موضوع *Archive of SID* منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و نویسنده در این فصل تلاش کرده است تا در چهارچوب تحلیلی «روزنا» و عوامل پنج‌گانه وی به تشریح منابع عمده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. به باور وی شناسایی و تجزیه و تحلیل این منابع و عناصر می‌تواند در ریشه‌یابی دلایل و علل تداوم و تغییر سیاست خارجی ایران به ما کمک کند؛ چرا که سیاست خارجی به‌عنوان متغیری وابسته، معلول علل و عواملی است که به‌صورت متغیرهای مستقل عمل می‌کنند. به عبارت دیگر برخی از این منابع از عوامل تداوم و برخی دیگر از علل تغییر سیاست خارجی محسوب می‌شوند و بدون ملاحظه نقش تمام عناصر نمی‌توان به تحلیلی جامع دست یافت. عناصر بادوامی مانند وضعیت جغرافیایی، پیشینه تاریخی و فرهنگ سیاسی ایران باعث تداوم و متغیرهای فردی و بین‌المللی که حالت پویا دارند موجبات تغییر در سیاست خارجی کشور می‌شود. در قسمت منابع فردی

به تأثیرگذاری خصوصیات شخصی رهبران در ایران به خصوص امام خمینی (ره)، محیط روانی - ادراکی نخبگان و تصمیم‌گیرندگان از جمله برداشت از هویت و همچنین تعامل شخصیت و نقش افراد تصمیم‌گیرنده بر سیاست خارجی پرداخته شده است.

در منابع نقش‌گرایانه سیاست خارجی به محدودیت‌های فردی ناشی از نقش و رفتار گروهی و سازمانی اشاره می‌شود. در منابع حکومتی به ماهیت نظام سیاسی ایران یعنی مردم‌سالاری دینی، ساختار نیمه‌پارلمانی و نیمه‌ریاستی حکومت و دیوان‌سالاری پرداخته می‌شود. ویژگی‌های فرهنگی ایران شامل ارزش‌های ملی نظیر آرمان‌خواهی و عدالت‌طلبی، فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی و مذهب تشیع؛ متغیرها و تجارب تاریخی ایران و متغیرهای جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی از جمله منابع ملی مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک منحصراً به فرد ایران باعث افزایش اهمیت بین‌المللی آن و عمدتاً شکل‌گیری سیاست

خارجی برون‌گرا و فعال می‌شود.

در آخرین قسمت منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به منابع خارجی اعم از بین‌المللی و منطقه‌ای پرداخته می‌شود. در این قسمت ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل و رفتار و تحولات سایر کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد.

فصل سوم کتاب به اصول، منافع، اهداف و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. نویسنده براساس اسناد رسمی مانند قانون اساسی، بیانات امام خمینی و عملکرد رفتاری ایران، اصول سیاست خارجی را استخراج می‌کند که مواردی مانند عزت، استکبارستیزی، عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان از یک‌سو و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها را شامل می‌شود. وی به رغم برخی برداشت‌های توسعه‌طلبانه از اصول اولیه، اصول صلح‌طلبی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را پایه‌ای‌تر عنوان می‌کند.

نویسنده در ادامه در جهت ارائه تعریفی از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بر لزوم توجه به نظام ارزشی و

Archive of SID

هنجاری در ارائه هرگونه تعریف تأکید می‌کند و عناصر این منافع را شامل منافع دفاعی یا امنیتی، منافع معطوف به منافع نظام جهانی، منافع ایدئولوژیک و منافع اقتصادی برمی‌شمارد. در این فصل اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دو دسته اهداف ملی و فراملی تقسیم می‌شود. اهداف ملی شامل حفظ امنیت ملی و موجودیت کشور؛ توسعه و رفاه اقتصادی؛ کسب اعتبار بین‌المللی، و کسب و افزایش قدرت ملی می‌باشد. در بیان اهداف فراملی نیز به حفظ کیان اسلام، صدور انقلاب اسلامی، وحدت جهان اسلام و تشکیل جامعه جهانی اسلامی اشاره می‌شود.

در انتهای این فصل عدم تعهد به‌عنوان راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار می‌گیرد. نویسنده درخصوص این راهبرد به منطبق بودن آن با تغییر و تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، فعال بودن آن و عدم وابستگی و حفظ استقلال به‌عنوان جوهره عدم تعهد اشاره می‌کند.

در فصل چهارم کتاب به گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران پرداخته شده است. نویسنده به دو نوع گونه‌شناسی گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کند که شامل تحول از یک گفتمان به گفتمان دیگر و تحول در یک گفتمان می‌شود. نویسنده براساس معنای دال‌ها و مفاهیم متعالی و بنیادی دولت - ملی، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل و عناصر تشکیل‌دهنده آنها دو ابرگفتمان ملی‌گرایی لیبرال و اسلام‌گرایی را از هم تفکیک می‌کند و سپس آرمان‌گرایی امت‌محور، مصلحت‌گرایی مرکز‌محور، واقع‌گرایی اسلامی، صلح‌گرایی مردم‌سالار و اصول‌گرایی عدالت‌محور را خرده‌گفتمان‌های ابرگفتمان اسلام‌گرایی محسوب می‌کند. هریک از این گفتمان‌ها در یک دوره بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکمیت نسبی داشته و در چهارچوب گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های خاص به مفصل‌بندی مفاهیم محوری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند.

فصل پنجم کتاب به تشریح ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. به

باور نویسنده توضیح ساختار تصمیم‌گیری و تبیین جایگاه تصمیم‌نگاران در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مستلزم تعیین سهم و نقش سه اصل سلسله‌مراتب، تفکیک وظایف و کارکرد و توزیع قدرت بین نهادها و اشخاص تصمیم‌گیرنده است. بر این اساس به بازیگران و نهادهای رسمی و غیررسمی متعددی در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود، اما تأکید اصلی فصل بر ساختار رسمی تصمیم‌گیری است. در این راستا براساس قانون اساسی به نهادهای زیر در فرایند و ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی پرداخته می‌شود: نهاد رهبری؛ قوه مجریه شامل رئیس‌جمهور، هیئت وزیران، وزارت امور خارجه و سایر وزارتخانه‌های ذی‌ربط؛ قوه مقننه شامل مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان؛ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ شورای عالی امنیت ملی؛ نیروهای مسلح و به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و قوه قضائیه. در بررسی سهم هریک از این نهادها و سازمان‌ها در

تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی به میزان اختیارات و چگونگی تأثیرگذاری‌ها آنها نیز اشاره می‌شود.

در بخش دوم کتاب به تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قالب چهار دوره در فصول ششم تا نهم پرداخته می‌شود. فصل ششم با عنوان «از دولت موقت تا بیانیه الجزایر» به بررسی سیاست خارجی ایران از زمان حاکمیت دولت موقت تا حمله عراق به ایران می‌پردازد. در این چهارچوب ابتدا به سیاست خارجی دولت موقت از جمله راهبرد، اصول و مبانی و اهداف آن پرداخته می‌شود و سپس بحران گروگان‌گیری و پیامدهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نویسنده عدم تعهد محافظه‌کارانه مبتنی بر موازنه منفی و با ماهیت تدافعی را راهبرد اصلی سیاست خارجی دولت موقت عنوان می‌کند و سپس اصول و مبانی این سیاست خارجی را شامل سیاست نگاه به غرب، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و... برمی‌شمارد. در ادامه اهداف سیاست خارجی در این دوره نیز در مواردی مانند شناسایی جمهوری اسلامی، کسب اعتبار بین‌المللی و غیره خلاصه می‌شود.

اشاره می‌کند، اما به هیچ‌کدام از این دلایل نقش کانونی نمی‌دهد.

Archive of SID

در ادامه این فصل به جهت‌گیری، اهداف و اصول و ویژگی‌های سیاست خارجی ایران در این دوره پرداخته می‌شود. به اعتقاد نویسنده براساس حاکمیت گفتمان‌های آرمان‌گرایی و مصلحت‌گرایی اسلامی در دوره جنگ، راهبردهای دوگانه عدم تعهد انقلابی و تجدیدنظرطلب بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شدند. وی اهداف سیاست خارجی در دوره جنگ را شامل اهداف ملی (امنیت ملی، حفظ تمامیت ارضی، صلح عادلانه) و اهداف فراملی (دفاع از اسلام، صدور انقلاب، وحدت جهان اسلام) برمی‌شمارد. نویسنده در ادامه فصل اصول و ویژگی‌های سیاست خارجی این دوره را موارد زیر می‌داند: استکبارستیزی؛ حمایت از نهضت‌ها و مسلمانان؛ الگوی تعامل انقلابی — انقباضی، و بی‌اعتمادی به سازمان‌های بین‌المللی.

فصل هشتم کتاب به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره سازندگی یا به عبارت دیگر ریاست جمهوری آقای هاشمی

نویسنده در تحلیل بحران گروگان‌گیری دو علت بنیادی تسخیر سفارت امریکا در سال ۱۳۵۸ را سیاست‌های مداخله‌جویانه امریکا در ایران و سوءظن و بی‌اعتمادی نیروهای مکتبی و رهبران مذهبی انقلاب نسبت به سیاست نگاه به غرب دولت موقت می‌داند. وی ضمن اشاره به شکل‌گیری و روند بحران معتقد است که بحران گروگان‌گیری به صورت هم‌زمان فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد.

بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دفاع مقدس موضوع فصل هفتم کتاب را تشکیل می‌دهد. در این فصل نویسنده سعی می‌کند با محور قرار دادن جنگ و تحولات آن، مناسبات و تحولات سیاست خارجی ایران در سه سطح رابطه با دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را بررسی نماید. وی در تبیین چرایی تجاوز عراق به ایران به مجموعه‌ای از علل و اهداف از حاکمیت کامل بر اروندرود و تجزیه خوزستان تا پیشگیری از صدور انقلاب اسلامی و تحریک و تشویق امریکا

اختصاص دارد. به باور نویسنده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره در عین استمرار دستخوش تغییر و تحول نیز شده است و این دگرگونی معلول متغیرهای چندگانه در سطوح مختلف فردی، ملی و بین‌الملل بوده است. در این راستا، پایان جنگ، بازنگری قانون اساسی، تغییر تصمیم‌گیرندگان، تجاوز عراق به کویت و فروپاشی اتحاد شوروی از مهم‌ترین متغیرها و تحولات تأثیرگذار بر سیاست خارجی کشور در این دوره عنوان می‌شود که تغییراتی را ایجاد نمود. در ادامه عدم تعهد اصلاح طلب به عنوان حد واسط عدم تعهد محافظه‌کار و انقلابی به عنوان جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی دوره سازندگی عنوان می‌شود. در انتها نیز نویسنده به تشریح اصول، اهداف و الگوهای رفتاری سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی می‌پردازد: اولویت نسبی منافع و اهداف ملی بر اهداف فراملی؛ توسعه‌گرایی و اقتصادمحوری، عادی‌سازی روابط خارجی و تنش‌زدایی در چهارچوب هم‌زیستی مسالمت‌آمیز؛ مشارکت فعال در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و توسعه

روابط با سازمان‌ها در قالب راهبرد چندجانبه‌گرایی، و توسعه مناسبات با کشورهای آسیای میانه و قفقاز، دشواری همکاری خلیج فارس در چهارچوب استراتژی منطقه‌گرایی. تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ایران در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی یا دوره اصلاحات موضوع فصل آخر کتاب را تشکیل می‌دهد. به اعتقاد نویسنده سیاست خارجی ایران در این دوره نیز در عین تداوم دستخوش تغییرات رفتاری شگرفی شده که اولویت یافتن توسعه سیاسی در داخل در آن نقشی جدی داشته است. راهبرد سیاست خارجی ایران در دوره اصلاحات همانند دوره سازندگی عدم تعهد اصلاح طلب عنوان می‌شود که مستلزم عدم وابستگی به مراکز قدرت بین‌المللی و تلاش برای اصلاح نظم بین‌الملل موجود است. نویسنده معتقد است در این دوره نیز اهداف ملی بر اهداف فراملی اولویت می‌یابد و از میان اهداف ملی نیز، کسب و افزایش اعتبار و شهرت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولتی معقول و متعارف و مسئول اهمیت بیشتری دارد. در مجموع اصول و

Archive of SID

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره اصلاحات شامل توسعه‌گرایی سیاسی فرهنگی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، صلح‌گرایی و چندجانبه‌گرایی گفتمانی عنوان می‌شود.

در ادامه نیز به سه رخداد مهم در سیاست خارجی دوره اصلاحات یعنی حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله امریکا به افغانستان، حمله امریکا به عراق و پرونده هسته‌ای ایران و راهبرد و اقدامات ایران در این موارد پرداخته می‌شود.

کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که با هدف آموزشی تألیف شده است واجد نقاط قوت عمده‌ای است و مطالعه آن از سوی دانش‌پژوهان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و همچنین پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران سودمند خواهد بود. در بخش نظری ارائه و تشریح رویکردهای نظری و پیوند دادن آن با برخی ابعاد و تحولات یا دوره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌های ممکن برای کاربردی کردن نظریه‌های روابط بین‌الملل برای

تبیین سیاست خارجی ایران را نشان می‌دهد. علاوه بر این هرکدام از رویکردهای نظری مورد اشاره می‌تواند چشم‌انداز نوینی را برای تبیین سیاست خارجی کشور ترسیم نماید.

در فصل منابع سیاست خارجی ایران، نویسنده به‌صورت مبسوط به طیف وسیعی از عوامل و متغیرهای تأثیرگذار به‌عنوان ریشه‌های سیاست خارجی اشاره می‌کند که آگاهی از آنها مبانی بسیاری از تصمیمات و اقدامات کشور در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را آشکار می‌کند. در فصل اصول، منافع و اهداف و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دسته‌بندی و تبیین مناسبی از منافع و اهداف کشور صورت گرفته است. تحلیل گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران در فصل چهارم با چهارچوب‌بندی و مفهوم‌بندی‌های جدیدی ارائه شده است و به‌ویژه تداوم و تغییر در سیاست خارجی کشور را به‌خوبی نمایان می‌سازد.

برخلاف بسیاری از متون موجود درخصوص تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که با نگاهی صرفاً تحولاتی و توصیفی تدوین شده

است، دکتر دهقانی در بخش دوم کتاب خود با گاهی عمدتاً مفهومی و تحلیلی برای تبیین تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف یک گام فراتر می‌رود و می‌کوشد تا ویژگی‌ها و نگرش‌های متفاوت هر دوره را به صورتی هدفمند تبیین نماید. در مجموع کتاب حاضر را با توجه به دربرگرفتن ابعاد و فصول نظری، مفهومی و تبیین تحولات می‌توان متنی به نسبت جامع و به‌خصوص برای هدف آموزشی آن مناسب محسوب کرد.

هرچند چهارچوب تلفیقی «روزنا» با توجه به مؤلفه‌های مختلف در شناسایی منابع و ریشه‌های متعدد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مفید است، با این حال به نظر می‌رسد این چهارچوب بیشتر چهارچوبی مفهومی و تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی است که شاید نتوان آن را در ادامه سایر رویکردهای نظری مانند رئالیسم یا لیبرالیسم آورد و حتی تلقی این چهارچوب به‌عنوان چهارچوبی نظری یا تحلیلی در کتاب

با ابهاماتی مواجه است. درحالی‌که عمده نظریات روابط بین‌الملل با برجسته ساختن برخی متغیرها درصدد تبیین هستند، چهارچوب تلفیقی «روزنا» به طیف وسیعی از مؤلفه‌ها اشاره می‌کند و بر این اساس شاید نتوان آن را به‌عنوان چهارچوب نظری خاص در نظر گرفت.

نویسنده در فصل اول کتاب به چهارچوب تلفیقی «روزنا» به‌عنوان چهارچوب نظری کتاب اشاره می‌کند و در فصل دوم بر مبنای این چهارچوب به واکاوی منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد؛ اما در ادامه و در سایر فصول چگونگی کاربست این چهارچوب تحلیلی چندان مشخص و روشن نیست، به‌گونه‌ای که در فصل سوم اصول و منافع مورد اشاره قرار می‌گیرد و در فصل چهارم تحلیل‌ها براساس رویکرد گفتمانی است. در بخش دوم کتاب نیز به نظر می‌رسد تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیشتر با رویکردی گفتمانی تحلیل شده است.

